

سیمای رحمت



رساله یوبیل فوق العاده رحمت

۲۰۱۶

ترجمه از

کشیش هرمنز اصلانی

ویژه کلیسای آشوری کلدانی کاتولیک

سیمای رحمت

رساله یوبیل فوق‌العاده رحمت

فرانسیس

اسقف رم

خادم خادمان خدا

بر همه آنانی که این رساله را می‌خوانند

فیض، رحمت و آرامش باد.

۱- عیسی مسیح چهره رحمت پدر است. به نظر می‌رسد که این کلمات می‌تواند خلاصه‌ای از راز ایمان مسیحی باشد. این راز در عیسی ناصری زنده می‌گردد، آشکار می‌شود و به اوج خود می‌رسد. پدر، «دولتمند در رحمت و بخشش» (افسیان ۲: ۴)، بعد از آنکه نام خود را بر موسی آشکار نمود، «یهوه، یهوه، خدای رحیم و رؤف و دیرخشم و کثیر احسان و وفا» (خروج ۳۴: ۶)، از شناساندن سرشت الهی خود با روش‌های مختلف در هر برهه از تاریخ، باز نمی‌ایستد. چون «زمان به کمال رسید» (غلاطیان ۴: ۴)، هنگامی که همه چیز بر حسب نقشه نجات به کمال رسید، او پسر یگانه خود را که از مریم باکره متولد گردید فرستاد تا محبت خود را به گونه‌ای نهایی برای ما آشکار گرداند. «هر که عیسی را ببیند، پدر را می‌بیند» (یوحنا ۱۴: ۹). عیسی ناصری با کلمات خویش، با اعمال خویش و با کل شخصیت خویش، رحمت خدا را آشکار می‌گرداند.

۲- همیشه محتاجیم تا بر راز رحمت و بخشش، تعمق نماییم. آن سرچشمه سرور و آرامش و صلح است. نجات ما به آن بستگی دارد. رحمت: کلمه‌ای است که راز تثلیث را آشکار می‌گرداند. رحمت: عمل غایی و نهایی است که خدا بوسیله آن به ملاقات ما می‌آید. رحمت: قانونی بنیادی است که در اعماق قلب هر انسانی ساکن است که با چشمان صادق به برادر و خواهری که در راه زندگی خویش ملاقات می‌نماید، نگاه می‌کند. رحمت: پلی است که خدا و انسان را متحد می‌نماید، زیرا قلب ما را بر این امید می‌گشاید که علی‌رغم محدودیتی که بر حسب گناه داریم، او ما را جاودانه دوست می‌دارد.

۳- لحظاتی هستند که در آن دعوت شده‌ایم تا نگاه خود را با دقت بیشتر معطوف رحمت نماییم تا اینکه به نوبه خود نشانه‌ای موثرتر از رحمت پدر در زندگی خود گردیم. برای همین منظور یوبیل فوق‌العاده رحمت را اعلام نمودم، زمانی خاص برای کلیسا، تا شهادت هر ایمان دار را مستحکم‌تر و موثرتر نماید

سال مقدس روز ۸ دسامبر ۲۰۱۵ مصادف با جشن حضرت مریم بار آورده شده بدون گناه، افتتاح خواهد گردید. این جشن عبادی بیانگر طرق عملکرد خدا از سر آغاز تاریخ زندگی بشر است. بعد از گناه آدم و حوا، خدا نخواست تا بشریت را در گیر و دار گناه خویش تنها رها نماید. برای همین مریم مقدس پاک و مطهر در محبت را انتخاب نمود. (افسیان ۱: ۴)، تا اینکه مادر رهایی دهنده انسان گردد. در مقابل وخامت شرایط گناه، خدا در کمال محبت جواب می‌گوید. رحمت همیشه از هر گناه، بزرگتر است و هیچ کس نمی‌تواند برای محبت خدا محدودیتی تعیین نماید، او که همیشه آماده بخشش است. در جشن مریم بار آورده شده بدون گناه، این سعادت را خواهیم داشت تا درب مقدس را بگشاییم. و به همین مناسبت، این درب مقدس، درب رحمت خواهد بود تا هر کس که از آن

داخل گردد محبت خدا را تجربه نماید که تسلی می دهد، که می بخشد و امید را اهدا می کند.

یکشنبه بعد از آن مصادف با سومین یکشنبه سوبارا (فصل ورود)، درب مقدس کلیسای اصلی رم، کلیسای قدیس ژان لاتران، گشوده خواهد گردید. بعد از آن درب مقدس تمام کلیساهای واتیکان بر ایمانداران گشوده خواهند گردید. در همان یکشنبه اعلام خواهد نمود تا در هر کلیسای محلی، در کلیسای اصلی که کلیسای مادر برای همه ایمانداران آن محل خاص است و در هر کلیسایی با اهمیتی خاص، در طول تمام سال مقدس، یک درب رحمت گشوده شود. بنا به صلاح دید رهبران کلیساهای محلی، حتی درب مشابهی در زیارتگاهها که هدف زائران است گشوده شود، زیرا زیارت این مکانهای مقدس اغلب زمانی برای تجربه درونی فیض است، چون افراد راهی برای دگرگونی زندگی می یابند. بنابراین هر کلیسای محلی به نحوی این سال مقدس را به عنوان زمان فوق العاده فیض و احیاء روحی تجربه نماید. به این ترتیب این یوبیل، هم در شهر رم و هم در کلیساهای خاص، به عنوان نشانه مرئی اتحاد جهانی کلیسا همزمان برگزار خواهد گردید.

۴- تاریخ ۸ دسامبر را انتخاب نمودم چرا که مملو از معنی خاص در تاریخ معاصر کلیسا می باشد. درب مقدس را در پنجاهمین سالگرد اتمام مجمع واتیکان دوم خواهم گشود. کلیسا این نیاز را در خود احساس می نماید که آن رویداد را زنده نگه دارد. با این مجمع، کلیسا وارد مرحله جدیدی از تاریخ خود شد. پدران جمع شده در مجمع، به واسطه هدایت روح القدس این لزوم را در خود احساس نمودند که باید برای انسانهای زمان خود از خدا به روشی که قابل درک همگان باشد، سخن گویند. دیوارهایی که برای سالهایی بس طولانی کلیسا را همچون یک قلعه بر خود بسته بودند، فرود آورده شدند و وقت آن فرا رسیده بود تا انجیل را با روشی جدید بشارت دهند. این مرحله ای جدید در همان بشارت انجیل بود که از آغاز

وجود داشت. مسئولیتی جدید برای همه مسیحیان، تا بتوانند با شوق و اعتقاد بیشتر به ایمانشان شهادت دهند. کلیسا این مسئولیت خطیر را احساس نمود که نشانه‌ای زنده از محبت پدر در جهان باشد.

در این لحظه سخنان معنی‌دار قدیس یوحنا بیست و سوم در افتتاح مجمع، برای در پیش گرفتن راهی جدید طنین انداز هستند: «اکنون عروس مسیح داروی رحمت و بخشش را بر سلاح سخت‌گیری ترجیح می‌دهد... کلیسای کاتولیک، که با این مجمع، مشعل حقیقت کاتولیک را بر می‌افرازد، می‌خواهد خود را به عنوان مادر دوستدار همگان نمایان سازد؛ خیرخواه و صبورو سرشار از رحمت و نیکی نسبت به فرزندان که از او جدا گردیده‌اند» (مراسم افتتاحیه ۱۱ اکتبر ۱۹۶۲). به گونه‌ای مشابه، پاپ سعادت‌مند پولس ششم نیز در اختتامیه این مجمع فرمود: «می‌خواهیم بیشتر یادآور شویم که چگونه محبت خصیصه مذهبی اصلی این جمع گردید... روایت کهن سامری نیکو سرچشمه روحانیت مجمع قرار گرفت... یک جریان رأفت و تحسین از طرف این مجمع بر همه جهانیان جاری گشت. اشتباهات محکوم گشتند، آری! زیرا این چیزی است که شفقت می‌طلبد، همانگونه که حقیقت آن را می‌طلبد، اما برای اشخاص فقط نصیحت، احترام و محبت است. به جای بررسی و آزمایش طاقت فرسا، درمان تشویق‌آمیز، به جای حدس‌های شوم، پیام‌های امید بخش از این مجمع بر تمام جهان معاصر صادر گردید: ارزش‌های جهان امروز نه تنها مورد احترام، بلکه مورد تحسین قرار گرفتند، زحمت‌های آن مورد تائید، الهامات آن تطهیر و برکت یافته... و آنچه را که باید بر آن تمرکز کرد این است؛ تمامی این تعلیم غنی در یک مسیر هدایت می‌شود و آن خدمت به انسان است... انسان، در تمامی شرایط زندگی‌اش، در تمامی ضعف‌ها و تمامی نیازهایش.

با این حس قدردانی و تواضع برای آنچه که کلیسا دریافت نموده است و با حس مسئولیت برای وظیفه‌ای که در پیش رو دارد، از آستانه درب مقدس خواهیم گذشت، با اعتماد به اینکه قدرت خداوند رستاخیز کرده همواره ما را در این راه زیارت پشتیبانی می‌نماید. باشد تا روح القدس که قدم‌های ایمانداران را در راه همکاری با عمل نجات که توسط مسیح به اتمام رسید، رهنمون می‌باشد، همچنان راهنمای قوم خدا باشد و آنها را در تعمق چهره رحمت یاری نماید» (مجمع واتیکان دوم . رساله نور مردم «Lumen Gentium» شماره ۱۶ و (شادی و امید «Gaudium et spes» شماره ۱۵).

۵- سال مقدس یوبیل با مراسم کلیسایی جشن عیسی مسیح پادشاه جهان، مصادف با ۲۰ نوامبر ۲۰۱۶ خاتمه خواهد یافت. در آن روز، با بستن درب‌های مقدس، سرشار از احساس تواضع و قدردانی نسبت به تثلیث مقدس خواهیم بود که چنین زمان فوق‌العاده فیض را در اختیار ما نهاد. زندگی کلیسا، تمام بشریت و جهان لایتناهی را به خداوندگاری مسیح خواهیم سپرد، تا اینکه رحمت خود را همچون شب‌نم صبحگاهی بر ما ارزانی دارد تا اینکه همگان در راه ساختن آینده‌ای درخشان‌تر با هم همکاری نمایند. بسیار مشتاقم که سال پیش رو مملو از رحمت و بخشش باشد تا بتوان به ملاقات هر شخص رفت و محبت و رأفت خدا را به ایشان رساند! باشد که مرهم رحمت خدا به همگان برسد، چه ایمانداران و چه آنانی که دور هستند، تا نشانه‌ای باشد بر اینکه ملکوت خدا از هم اکنون در میان ما حاضر است.

۶- «این مختص خدا است که رحمت را به کار گیرد و مخصوصاً در آن است که قدرت مطلق او آشکار می‌گردد» (قدیس توماس آکویناس). کلمات قدیس توماس آکویناس، نشان می‌دهند که چگونه رحمت الهی نه تنها نشانه ضعف نیست، بلکه حاکی از قدرت مطلق خدا است. و برای همین منظور است که مراسم

کلیسایی، در یکی از آیین‌های قدیمی خود، چنین دعا می‌کند «خدایا، ای که توانایی خود را به ویژه در رحمت و بخشش آشکار می‌گردانی». خدا در تاریخ بشریت همواره آن خواهد بود که حاضر، نزدیک، مهیا کننده و رحیم است.

«صبور و رحیم»، صفاتی است که اغلب در عهد عتیق برای تشریح سرشت خدا با هم به کار رفته است. این رحیم بودن او در طول تاریخ نجات بشریت در نیکی‌ها ی او که بر تنبیه و تخریب برتری دارد، مشاهده می‌شود. مزامیر، به طور خاص، این عظمت رحمت در عمل الهی را چنین بیان می‌نمایند: «او تمام گناهانت را می‌آمرزد و همه مرض‌های تو را شفا می‌بخشد، که حیات تو را از هاویه فدیة می‌دهد و تاج رحمت و رأفت را بر سر تو می‌نهد». (مزمور ۱۰۳: ۳-۴). و مزمور دیگری با روشنی بیشتر نشانه‌های ملموس رحمت خدا را بیان می‌نماید: «خداوند اسیران را آزاد می‌سازد.... خداوند چشمان کوران را باز می‌کند.... خداوند خم شدگان را بر می‌افرازد... خداوند عادلان را دوست می‌دارد... غریبان را محافظت می‌کند و یتیمان و بیوه زنان را پایدار می‌نماید لیکن طریق شریبان را کج می‌سازد...» (مزمور ۱۴۶: ۷-۹). و حال چند نمونه دیگر که سراینده مزمور بیان می‌دارد: "خداوند شکسته دلان را شفا می‌دهد و جراحات‌های ایشان را می‌بندد... خداوند مسکینان را بر می‌افرازد و شریبان را به زمین می‌اندازد" (مزمور ۱۴۷: ۳ و ۶). سرانجام، رحمت خدا یک ایده مجازی و خیالی نیست، بلکه حقیقتی قابل لمس است که بوسیله آن محبتش را همانند پدر و یا مادری آشکار می‌سازد که اعماق دلش از عشق به فرزند به جوش آمده است. به راستی باید گفت محبتی است برخاسته از دل. از درون سرچشمه می‌گیرد، همچون احساسی عمیق، طبیعی، مملو از مهر و ترحم، گذشت و بخشش.

۷- «رحمتش تا ابدالآباد است»، بند برگردانی است که در مزمور ۱۳۶ که بیانگر تاریخ مکاشفه خدا است، پس از هر آیه تکرار می‌گردد. در اثر قدرت رحمت خدا

است که همه رویدادهای عهد عتیق گویای ارزش والای این رهایی و رستگاری هستند. رحمت و بخشش، تاریخ خدا با بنی اسرائیل را تاریخ نجات می‌سازد. تکرار «رحمتش تا ابدالآباد است»، همانطور که مزمور انجام می‌دهد، گویی حلقه زمان و فضا را شکافته و همه چیز را در راز جاویدان محبت می‌گنجاند. به عبارتی دیگر می‌خواهد بفهماند که انسان نه تنها در تاریخ، بلکه تا ابد در نگاه رحمت پدر قرار خواهد گرفت. تصادفی نیست که قوم بنی اسرائیل خواسته این مزمور را که "هیلل بزرگ" خوانده می‌شود، درمهم‌ترین اعیاد عبادی خود وارد نماید.

عیسی قبل از رنج خود، این مزمور رحمت را در دعا قرائت نمود. متی در انجیل خود به این امر شهادت می‌دهد وقتی می‌گوید: «پس تسبیح خواندند» (متی ۲۶: ۳۰)، آنگاه عیسی با شاگردانش به سوی کوه زیتون روانه شدند. هنگامی که قربانی مقدس را به عنوان یادبود ابدی خود و قربانی فصیح خود بنیان نهاد، او به گونه‌ای نمادین این عمل والای مکاشفه را در نور رحمت و بخشش قرار داد. در همان افق رحمت، عیسی به رنج و مرگ خویش نزدیک شد، با آگاهی از راز بزرگ محبت که آن را بر روی صلیب به اتمام رساند. آگاهی از اینکه عیسی خود این مزمور را در دعا می‌خواند، آن را برای ما مسیحیان حائز اهمیت می‌گرداند و ما را بر آن می‌دارد تا آن را در دعای شکرگزاری روزانه خود وارد نموده تکرار نماییم: «رحمتش تا ابدالآباد است».

۸- با تأمل بر عیسی و چهره رحیم او، می‌توانیم محبت تثلیث مقدس را در یابیم. مأموریتی که عیسی از پدر دریافت نمود همان است که راز محبت الهی را در کمال خویش آشکار نماید. «خدا محبت است» (۱ اول یوحنا ۴، ۸ و ۱۶) برای اولین بار و تنها باری است که در تمام کتاب مقدس توسط قدیس یوحنا انجیل نگار مطرح می‌گردد. این محبت در همه مراحل زندگی عیسی مرئی و قابل لمس می‌شود. شخص او کسی نیست جز محبت، محبتی که خود را به رایگان عطا می‌کند.

برخورد او با اشخاصی که به او نزدیک می شدند، پدیده‌ای بی‌همتا و تکرار نشدنی را نمایان می‌سازد. نشانه‌هایی که انجام می‌داد، مخصوصاً در حمایت از گناهکاران، فقرا، در حاشیه قرار داده شدگان، بیماران و رنج دیدگان، همه طریقی برای تعلیم رحمت می‌باشند. همه چیز در او از رحمت و بخشش سخن می‌راند. هیچ چیز در او خالی از همدردی نیست.

عیسی در مقابل جمعیت بسیاری که به دنبال او می‌آمدند، وقتی دید که خسته و درمانده، بدون راهنما و سرگردانند، از اعماق دل احساس همدردی نمود. (ر.ک به متی ۹: ۳۶). با نیروی این محبت دلسوزانه بیمارانی را که نزد او می‌آوردند شفا می‌داد (ر.ک به متی ۱۴: ۱۴)، و با اندکی نان و ماهی جماعت بسیاری را غذا داد (ر.ک به متی ۱۵: ۳۷). آنچه که عیسی را در تمام این شرایط متفاوت به عمل وا می‌داشت چیزی نبود جز رحمت و شفقت، و بوسیله آن نیاز قلبی شنونده‌گان خود را می‌دید و نیاز واقعی آنان را برطرف می‌نمود. هنگامی که بیوه زن نائین را دید که تنها فرزند خود را می‌برد تا به خاک بسپارد، احساس همدردی عظیمی در مقابل رنج شدید این مادر عزادار نمود، پس پسر او را با برخیزاندن از مرگ به مادرش برگرداند. (ر.ک به لوقا ۷: ۱۵). وقتی مرد دیوزده را در سرزمین جدریان از سلطه روح پلید آزاد کرد، مأموریتی به او واگذار نمود «به خانه نزد خویشان خود برو و ایشان را خبر ده از آنچه خداوند با تو کرده است و چگونه به تو رحم نموده است» (مرقس ۵: ۱۹). حتی دعوت متی نیز در افق رحمت قرار یافته است. با گذشتن از کنار باجگاه، چشمان عیسی در چشمان متی گره خورد. نگاهی بود مملو از رحمت که گناهان آن فرد را می‌بخشید، با برتری گرفتن بر مقاومت دیگر شاگردان، او باجگیر گناهکار را انتخاب نمود، تا عضوی از دوازده تن گردد. قدیس والا مقام پد، با تفسیر این متن انجیل می‌فرماید: «عیسی به متی با نگاه رحمت چشم دوخت و او را انتخاب نمود». این جمله او چنان مرا تحت تاثیر قرار داد که آن را شعار اسقفی خود قرار دادم.

۹- در مثل‌های مربوط به بخشش و رحمت، عیسی طبیعت خدا را همچون پدری آشکار می‌گرداند که تا زمانی که گناه را نبخشاید و طرد نمودن را با همدردی و رحمت از میان بر ندارد، باز نمی‌ایستد. این مثل‌ها را خوب می‌شناسیم: بره گمشده و سکه گمشده و مثل پدر و دو پسرش (لوقا ۱۵: ۱-۳۲). در این مثل‌ها، خدا همواره مملو از شادی معرفی می‌گردد، مخصوصاً زمانی که می‌بخشد. در این مثل‌ها است که هسته انجیل و نیز ایمان ما را می‌توان یافت، زیرا رحمت به عنوان قدرتی معرفی گردیده است که بر همه چیز پیروز است، که قلب را مملو از محبت می‌گرداند و از طریق بخشش آرامی و تسلی می‌بخشد.

از مثلی دیگر، علاوه بر این، آموزه‌ای مهم برای روش زندگی مسیحی‌مان فرا می‌گیریم. در جواب سؤال پطرس مقدس، در مورد اینکه چند بار لازم است بخشید، عیسی جواب می‌دهد: «تو را نمی‌گویم هفت مرتبه، بلکه هفتاد، هفت مرتبه» (متی ۱۸: ۲۲)، آنگاه عیسی مثل غلام بی‌رحم را روایت می‌نماید که از طرف ارباب خود بازخواست گردید تا قرض بسیار خود را بپردازد، ولی غلام به زانو افتاده او را التماس می‌نماید و ارباب قرض او را بدو می‌بخشد. ولی بلافاصله این غلام، غلام دیگری را در راه خود ملاقات می‌نماید که فقط مقدار اندکی به او مقروض بود و او نیز به نوبه خود به زانو افتاده، غلام را التماس می‌نماید که بر او رحم کند. ولی غلام بر او ترحم ننمود و او را به زندان افکند. آنگاه، ارباب با مطلع شدن از موضوع، بسیار خشمگین شده غلام را فرا می‌خواند و به او می‌گوید: «پس آیا تو را نیز لازم نبود که بر همقطار خود رحم کنی چنانکه من بر تو رحم کردم؟» (متی ۱۸: ۳۳). و عیسی چنین ادامه می‌دهد: «به همین‌طور پدر آسمانی من نیز با شما عمل خواهد نمود، اگر هر یکی از شما برادر خود را از دل نبخشد» (متی ۱۸: ۳۵).

این مثل معنای بسیار عمیقی برای هر یک از ما در بردارد. عیسی به ما می‌فهماند که رحمت و شفقت عمل مختص پدر نیست، بلکه به معیاری تبدیل می‌شود که

توسط آن بتوان فرزندان واقعی او را شناخت. در نتیجه، خوانده شده‌ایم تا از خود بخشش و رحمت نشان دهیم، زیرا اول خود مورد رحمت قرار گرفته‌ایم.

بخشش خطاها به آشکارترین ابراز محبت بخشاینده تبدیل می‌گردد و برای ما مسیحیان، امری واجب است که نمی‌توان از آن شانه خالی کرد. آه که بعضی اوقات بخشیدن چقدر سخت است! و با این حال بخشش وسیله‌ای است که در دستان شکننده ما قرار داده شده تا به آرامش درونی دست یابیم. به کنار گذاشتن کینه، خشم، خشونت و انتقام، شرایط ضروری در شادی زیستن می‌باشند. به همین منظور نصیحت پولس رسول را بشنویم که می‌فرماید: «خورشید بر خشم شما غروب ننماید» (افسیان ۴: ۲۶). و مهمتر اینکه به سخنان عیسی گوش دهیم که رحمت را کمال مطلوب زندگی و معیار ایمان ما قرار داد: «خوشا به حال رحم‌کنندگان زیرا بر آنان رحم خواهد شد» (متی ۵: ۷). این وعده سعادت است که باید با تعهدی خاص در این سال مقدس برای دست یافتن به آن تلاش نمائیم.

همانطور که واضح است، رحمت در کتاب مقدس کلام کلیدی در نشان دادن عمل خدا نسبت به ما است. او فقط به ابراز محبت اکتفا نمی‌کند، بلکه آن را آشکار و قابل لمس می‌گرداند. در نهایت، محبت هرگز نمی‌تواند تنها یک کلمه مجازی و غیرقابل درک باشد. زیرا محبت بر حسب طبیعت ذاتی خود، امری قابل لمس است: نیت، رفتار و اعمالی که در زندگی روزمره ثابت می‌گردد. رحمت خدا مسئولیتی است که در قبال ما دارد. او خود را در قبال ما مسؤول می‌داند، یعنی خوبی ما را می‌طلبد، و می‌خواهد ما را خوشبخت و سرشار از شادی و آرامش ببیند. و بر بلندای همین موج است که رحمت بخشنده مسیحیان باید هدایت گردد. همانطور که پدر محبت می‌نماید، به همان نسبت فرزندان باید محبت نمایند. همانطور که او رحیم و بخشنده است، به همان قدر نیز ما دعوت گردیده‌ایم تا نسبت به یکدیگر رحیم و بخشنده باشیم.

۱۰ - ستون اصلی حیات کلیسا، همان رحمت و بخشش است. تمام فعالیت‌های شبانی آن باید در بر دارنده لطافت نسبت به ایمانداران باشد؛ هیچ کلام و شهادت آن در جهان نباید خالی از رحمت باشد. اعتبار کلیسا از راه محبت بخشاینده و رحیم آن نمایان می‌گردد. کلیسا «در این شوق اعطا نمودن بخشش و رحمت زندگی می‌نماید». (نامه رسولی پاپ فرانسیس شادی انجیل *Evangelii Gaudium* شماره ۲۴). شاید برای مدت مدیدی فراموش کرده‌ایم تا بر حسب رحمت و بخشش زندگی نماییم. از طرفی، این وسوسه که تنها بر عدالت تمرکز کنیم، باعث گردیده است که فراموش کنیم این تنها اولین قدم است، هر چند هم که ضروری و اجتناب ناپذیر باشد. اما کلیسا باید فراتر از این برود و جویای هدفی والاتر و مهم‌تر باشد. از طرف دیگر، متأسفانه باید اذعان داشت که در زمینه وسیع‌تر فرهنگ، بجا آوردن رحمت بیش از پیش کاهش می‌یابد. به نظر می‌رسد که در بعضی موارد کلمه رحمت بلااستفاده مانده است. اما بدون شهادت رحمت و بخشش، زندگی بی‌ثمر می‌ماند و گوئی در صحرائی خشک و دور افتاده باشد.

وقت آن رسیده است تا بار دیگر کلیسا، مسؤولیت اعلان شادی آور بخشش و رحمت را بر خود گیرد. وقت آن رسیده است تا به اصول اولیه بازگردیم و ضعف‌ها و مشکلات برادران و خواهران خود را بر دوش گیریم. رحمت، قدرتی است که زندگی تازه‌ای به انسان می‌بخشد و این شهامت را درون ما می‌نهد که با امید به آینده بنگریم.

۱۱ - نمی‌توان تعالیم بزرگ قدیس ژان پل دوم را فراموش نمود که آن را در رساله دوم خود تحت عنوان «دولتمندی الهی در رحمت» (*Dives in misericordia*) به ما عطا نمود که در آن زمان غیرمترقبه بود و موضوعش تعجب بسیاری را برانگیخت. می‌خواهم به ویژه به دو مطلب آن توجه نمایم: نخست اینکه پاپ مقدس، بر این نکته تأکید کردند که در حوزه فرهنگی در زمان معاصر موضوع

رحمت فراموش شده است: "به نظر می‌رسد طرز تفکر امروز بیش از طرز تفکر مردم در گذشته با خدای رحمت مقابله می‌نماید و در واقع می‌خواهد موضوع رحمت را به طور کل از زندگی بیرون راند و از قلب انسان دور نماید. گوئی کلمه و مفهوم رحمت موجب ناراحتی انسان می‌شود که در نتیجه پیشرفت قابل توجه علم و تکنولوژی که در تاریخ بی سابقه بوده است، خود را ارباب زمین می‌شناسد و بر آن تسلط و حکومت یافته است (پیدایش ۱: ۲۸). این تسلط بر زمین که گاهی به طور یک جانبه و سطحی درک می‌شود، گوئی جایی برای رحمت باقی نمی‌گذارد... و به همین دلیل است که در موقعیت کنونی کلیسا و جهان، بسیاری از افراد گروه‌ها تحت حمایت ایمانی زنده به گونه‌ای خود جوش به رحمت خداوند روی می‌آورند (شماره ۲).

علاوه بر این، قدیس پاپ ژان پل دوم ضرورت اعلام و شهادت رحمت الهی را در دنیای معاصر چنین تأکید می‌کند: «آن رحمت برخاسته از محبت نسبت به انسان است، نسبت به هر آنچه انسانی است و همانطور که اکثر معاصرین ما حس می‌کنند، خطر بزرگی آن را تهدید می‌نماید. راز مسیح... مرا بر آن می‌دارد رحمت را به عنوان محبت رحیم خدا اعلام نمایم که در همان راز مسیح آشکار گردیده است. همچنین مرا و می‌دارد تا خود به این رحمت متوسل شوم و در این شرایط سخت و بحرانی تاریخ کلیسا و جهان، آن را بطلبم.» (شماره ۱۵). این تعلیم او اکنون بیش از هر زمان دیگر مورد نیاز است و ارزش آن را دارد که در این سال مقدس دوباره مورد توجه قرار گیرد. بیائید بار دیگر به سخنان او گوش دهیم: «کلیسا زمانی دارای حیات واقعی است که رحمت را بشارت و اعلام نماید؛ رحمت که شگفت‌انگیزترین صفت خالق و نجات دهنده است، آری کلیسا زمانی حیات واقعی دارد که انسان‌ها را به چشمه رحمت نجات دهنده نزدیک نماید، کلیسا که خود امانت دار و اعطا کننده این رحمت است.» (شماره ۱۳).

۱۲- کلیسا مأموریت دارد تا رحمت خدا، قلب پر تپش انجیل را بشارت دهد که بوسیله آن بتواند به قلب و عقل هر شخص برسد. عروس مسیح رفتار او را از آن خود می‌سازد، او که به سوی همه می‌رفت و هیچ کس را محروم نمی‌کرد. در این برهه زمانی ما، در حالی که کلیسا در راه بشارت جدید انجیل در تلاش است، نیاز است که موضوع رحمت، بیشتر از قبل و با شور و هیجانی بیشتر و با احیاء فعالیت شبانی ارائه گردد. برای کلیسا و برای اینکه بشارت آن باور گردد، لازم است تا کلیسا رأساً رحمت را به جا آورد و به آن شهادت دهد. زبان و اعمال آن باید رحمت را اشاعه دهند به نحوی که به قلب همه انسانها تأثیر گذارد و بار دیگر آنان را تشویق نمایند تا راه بازگشت به خانه پدر را بیابند.

اولین حقیقت کلیسا، محبت مسیح است. کلیسا خود را در خدمت این محبت نهاده، خود را وسیله انتقال آن به همه انسانها می‌سازد: محبتی که بخشاینده است و در تقدیم وجود خویش ابراز می‌شود. در نتیجه هر جا که کلیسا حضور دارد، باید رحمت خدای پدر نمایان باشد. در کلیسای محلی ما، در جماعت ایمانداران، در مؤسسات و سازمانهای مذهبی، خلاصه هر جایی که مسیحیان باشند، هر کس باید واحه‌ای از رحمت را بیابد.

۱۳- همه می‌خواهیم این سال یوبیل مقدس را بر حسب نور کلمات خداوند زندگی نماییم: رحیم باشید همچون پدر. نگارنده انجیل، تعلیم عیسی را یادآوری می‌کند که می‌گوید: «پس رحیم باشید چنان که پدر شما رحیم است» (لوقا ۶: ۳۶). این گفته برنامه‌ای برای زندگی است و در عین حال که سنگین است، به همان قدر مملو از غنای شادی و صلح می‌باشد. این فرمان عیسی خطاب به همه کسانی است که مایلند به صدای او گوش دهند (لوقا ۶: ۲۷). در نتیجه برای اینکه قادر به رحمت باشیم، در وهله اول باید خود را آماده شنیدن کلام خدا سازیم. این بدان معنی است که ارزش سکوت را باز یابیم تا بر کلام خدا که به ما می‌رسد، تعمق

نماییم. بدین صورت می‌توان بر رحمت تعمق نمود و آن را به عنوان شیوه زندگی خود به عهده گرفت.

۱۴- زیارت در سال مقدس از جایگاه خاصی برخوردار است، زیرا تصویری است از راهی که هر شخص در طول زندگی خود می‌پیماید. زندگی خود یک زیارت است و انسان یک مسافر، زائری که در جاده راه می‌پیماید تا به مقصد مطلوب خود برسد. به همین ترتیب برای گذر از درب مقدس در رُم و یا در هر نقطه از جهان نیز، هر شخص باید بر حسب توانایی خود، یک زیارت انجام دهد. این عمل به عنوان یک نشانه بیانگر آن است که رحمت الهی نیز هدفی است که رسیدن به آن تلاش و از خود گذشتگی می‌طلبد. باشد که زیارت محرکی گردد برای دگرگونی قلب: با گذر کردن از درب مقدس نیروی آن را می‌یابیم که رحمت خدا را از آن خود سازیم و خود را متعهد نمائیم که با دیگران رحیم باشیم همانگونه که پدر با ما رحیم است.

خداوند ما عیسی مسیح، مراحل این زیارت را به ما نشان می‌دهد تا با طی کردن آن به هدف برسیم: «داوری مکنید تا بر شما داوری نشود و حکم مکنید تا بر شما حکم نشود و عفو کنید تا آمرزیده شوید. بدهید تا به شما داده شود. زیرا پیمانۀ نیکوی افشردۀ و جنبانیده و لبریز شده را در دامن شما خواهند گذارد. زیرا که به همان پیمانۀ ای که می‌پیمایید برای شما پیموده خواهد شد.» (لوقا ۶: ۳۷-۳۸). خداوند قبل از هر چیز از ما می‌خواهد که داوری نکنیم و محکوم نکنیم. اگر کسی نمی‌خواهد مورد داوری خدا قرار گیرد، نباید خود داور برادر و خواهر خود گردد. در حقیقت انسان‌ها وقتی داوری می‌کنند، ظاهر را می‌بینند اما خدا به اعماق باطن می‌نگرد. کلماتی که بر حسب حسادت و تنفر بر زبان رانده می‌شوند، چقدر مخرب‌اند! بد گوئی از دیگری در غیاب وی به این معنی است که او را در نظر دیگران بد جلوه می‌دهیم، آبرو و اعتبار او را پایمال می‌کنیم و او را طعمه صحبت‌های پوچ و غیبت قرار می‌دهیم. خودداری از داوری و محکوم

کردن بدین معنی است که به صورت مثبت در هر شخص به آنچه نیکوست توجه نماییم و اجازه ندهیم تا بر اساس قضاوت نادرست و این ادعای غلط که همه چیز را در مورد او می‌دانیم، رنج بکشد. ولی حتی این برای ابراز رحمت کافی نیست. عیسی از ما این را هم می‌خواهد که بخشاینده و بخشنده باشیم. او می‌خواهد وسیله‌ای برای بخشش گردیم، چرا که اول ما آن را از خدا دریافت نمودیم. او می‌خواهد در مقابل دیگران سخاوتمند باشیم، آگاه بر اینکه خدا نیکی خود را بدون محدودیت با تمام محبت و سخاوت به ما عطا می‌نماید.

رحیم و بخشنده همچون پدر، این است «شعار» سال مقدس. رحمت، اثبات چگونگی محبت خدا نسبت به ما است. او همه وجودش را برای همیشه و به رایگان عطا می‌نماید، بدون اینکه چیزی در عوض طلب نماید. هر گاه او را می‌طلبیم به کمک ما می‌شتابد. چه زیباست که دعای روزانه کلیسا با این جمله شروع می‌شود (در آئین عبادی کلیسای لاتین) «خدایا برای نجات من بشتاب! ای خداوند به اعانت من تعجیل فرما!» (مزمور ۷۰: ۱). کمکی که مطلبیم، همان اولین قدم رحمت خدا برای ماست. او می‌آید تا ما را از شرایط ضعف که در آن زندگی می‌نماییم برهاند. کمک او در این است که حضور و نزدیکی‌اش را بپذیریم. روز به روز که رحمت او ما را لمس می‌نماید، ما نیز می‌توانیم به نوبه خود نسبت دیگران رؤف و بخشنده باشیم.

۱۵ - در این سال مقدس، می‌توانیم تجربه نمائیم چطور قلب خود را بسوی آنانی بگشاییم که در حاشیه‌های بیرونی جامعه که دنیای مدرن به صورت اسف بار مسبب آن است، زندگی می‌کنند. چه بسا شرایط متزلزل و دردناک که در دنیای امروز به چشم می‌خورد! چه زیادند زخم‌ها بر بدن بسیاری که صدایی ندارند، زیرا فریادشان با بی‌اعتنایی ثروتمندان خاموش و خفه می‌گردد! در طول این سال یوبیل، کلیسا بیشتر از همیشه خوانده می‌شود تا این زخم‌ها را شفا بخشد، آنها را با روغن

همدردی التیام دهد و مرحم رحمت بر آنها نهاده و با همبستگی و مراقبت لازم، آنها را درمان نماید.

در بی تفاوتی تحقیرآمیز گرفتار نشویم و در عادی گرفتن همه چیز نیافتیم، زیرا روح را خنثی می کند و نمی گذارد چیزهای تازه را کشف کنیم! از بدگمانی ویرانگر اجتناب نمائیم! بیائید چشمان خود را به فقر و بدبختی در جهان بگشاییم، بر زخم های بسیاری از برادران و خواهرانمان که شأن آنها نادیده گرفته می شود و بیائید دریابیم که ما وظیفه داریم فریاد آنها را برای درخواست کمک بشنویم. باشد که دستهای ما، دستان آنان را بفشارند و آنها را به سوی خود بکشیم تا گرمای حضور ما را حس نمایند، دوستی و برادری ما را دریافت نمایند. باشد که فریاد آنان، فریاد ما گردد تا با همدیگر بتوانیم دیوار بی تفاوتی را که بین ما فاصله انداخته و چنان حکم فرما است که ریا کاری و خودخواهی را پنهان می سازد، در هم شکنیم!

این آرزوی قلبی من است که مسیحیان در این سال مقدس بر اعمال رحمت و شفقت جسمانی و روحانی تعمق نمایند. بدین طریق، فرصتی خواهد بود تا وجدان ما که بیشتر اوقات در مقابل فاجعه فقر ساکت مانده است، بیدار گردد. بیائید هر چه بیشتر در قلب انجیل فرو رویم، جایی که فقرا و تهی دستان در تجربه رحمت الهی از امتیاز خاصی برخوردار هستند. عیسی در تعالیم خود ما را با این اعمال رحمت آشنا می سازد تا بفهمیم که آیا واقعاً همانند شاگردان او زندگی می کنیم یا نه. بیائید اعمال رحمت و شفقت جسمانی را ازنو کشف نمائیم: گرسنگان را تغذیه نمودن، تشنگان را آب دادن، برهنگان را پوشانیدن، بیگانگان را پذیرفتن، بیماران را یاری دادن، زندانیان را ملاقات کردن، درگذشتگان را دفن نمودن. و بیائید اعمال رحمت و شفقت روحانی را فراموش نکنیم: مترددان را راهنمایی کردن، جاهلان را تعلیم دادن، گناهکاران را هدایت نمودن، رنج دیدگان را تسلی

دادن، خطاکنندگان را بخشیدن، با صبر و حوصله کسانی را که به ما بدی می کنند پذیرفتن، برای زندگان و درگذشتگان دعا کردن.

از کلام خداوند نمی توانیم بگریزیم و بر مبنای آن است که مورد قضاوت قرار خواهیم گرفت: آیا گرسنگان را سیر و تشنگان را سیراب نمودیم. آیا غریبان را پذیرفتیم و برهنگان را پوشانیدیم. آیا برای بودن با بیماران و زندانیان وقت گذاشتیم؟ (ر. ک به متی ۲۵: ۳۱-۴۵).

به همان نحو از ما سوال خواهد شد که آیا کسانی را که در تردید منجر به ترس به سر می برند که اکثر مواقع شخص را به عمق تنهایی و انزوا می افکند، یاری رسانده- ایم؟ آیا برای پیروزی بر جهل و نادانی که میلیونها انسان در آن به سر می برند، کمک کرده ایم؟ به طور خاص به کودکان محروم از امکانات لازم برای رهائی از چنگال فقر؛ آیا به کسانی که در تنهایی و رنج به سر می برند نزدیک بوده ایم؟ آیا کسانی را که به ما بدی کرده اند بخشیده ایم؟ و هر گونه کینه و دشمنی و نفرت را که به خشونت کشیده می شود از خود رانده ایم؟ آیا صبور بوده ایم همانند خدا که در قبال ما اینقدر صبور است؟ و در آخر، آیا برادران و خواهران خود را در دعا به خدا سپرده ایم؟ در هر یک از این «کوچکترینها» خود مسیح حاضر است. جسم او بار دیگر در جسم افراد شکنجه دیده، مضروب شده، شلاق خورده، کسانی که از سو تغذیه رنج می برند و یا در فرار و تبعیدند... پدیدار می گردد تا بوسیله ما شناخته شود، لمس شود و با مراقبت التیام یابد. حرف های قدیس یوحنا صلیب را فراموش ننماییم که می فرماید: «در غروب زندگی، بر مبنای محبت قضاوت خواهیم شد» (از سخنان نور و محبت شماره ۵۷)

۱۶- در انجیل لوقا، جنبه مهم دیگری را می یابیم که ما را یاری می دهد هر چه بهتر این سال مقدس را با ایمان سپری کنیم. انجیل نگار چنین روایت می نماید که عیسی، یک روز شنبه، به ناصره بازگشت و طبق عادت خود به کنیسه داخل شد.

از او خواسته شد که کلام خدا را بخواند و تفسیر نماید. و طومار اشعیای نبی را به او دادند. چون طومار را باز کرد آن قسمتی را یافت که می‌فرماید: «روح خداوند یهوه بر من است، زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا مسکینان را بشارت دهم و مرا فرستاده تا شکسته دلان را التیام بخشم و اسیران را به رستگاری و محبوسان را به آزادی ندا کنم و سال پسندیده خداوند را اعلام نمایم.» (اشعیا ۶۱: ۱-۲). " سال پسندیده یا سال رحمت": این همان است که از جانب خدا اعلام می‌گردد و ما آرزو داریم اکنون آن را تجربه نمایم. این سال مقدس، غنای رسالت عیسی را نمایان می‌سازد که در سخنان نبی به طنین در می‌آید: آوردن کلام و حرکتی تسلی بخش برای فقیران، بشارت آزادی به آنانی که در دنیای امروز در انواع جدیدی از اسارت گرفتار هستند، بازگرداندن نور به چشمان کسانی که چنان در عالم خود فرو رفته‌اند که دیگر قادر به دیدن نیستند، بازگرداندن شأن و منزلت به کسانی که از آن محروم گردیده‌اند. موعظه عیسی بار دیگر خود را در جواب ایمان مسیحیان آشکار می‌گرداند که فراخوانده شده‌اند که با شهادت خود آن را ارائه دهند. باشد که سخنان پولس رسول ما را همراهی نمایند: «هر کسی دارای عطای رحمت است، شادمانه به این کار بپردازد» (ر. ک به رومیان ۱۲: ۸).

۱۷- ایام چهل روزه این سال مقدس هم باید به عنوان لحظات ممتاز برگزاری و تجربه نمودن هر چه بیشتر رحمت خدا سپری شود. صفحات بیشماری از کتاب مقدس برای تعمق در هفته‌های ایام روزه وجود دارند که در آنها می‌توانیم چهره رحمت خدای پدر را از نو کشف نمایم. با کلمات میکاه نبی ما نیز می‌توانیم تکرار نماییم: «کیست خدایی مثل تو که عصیان را می‌آمزد و از تقصیر بقیه میراث خویش درمی‌گذرد. او خشم خود را تا به ابد نگاه نمی‌دارد زیرا رحمت را دوست می‌دارد. او باز رجوع کرده، بر ما رحمت خواهد نمود و عصیان ما

را پایمال خواهد کرد و تو جمیع گناهان ایشان را به عمق‌های دریا خواهی انداخت.» (میکاه ۷: ۱۸-۱۹).

صفحات اشعیا نبی نیز می‌توانند در این ایام دعا، روزه و شفقت به صورت هر چه بهتر مورد تعمق قرار گیرند: «مگر روزه‌ای که من می‌پسندم این نیست که بندهای شرارت را بگشایید و گره‌های یوغ را باز کنید و مظلومان را آزاد سازید و هر یوغ را بشکنید؟ مگر این نیست که نان خود را به گرسنگان تقسیم نمایی و فقیران رانده شده را به خانه خود بیاوری و چون برهنه را ببینی او را بپوشانی و خود را از آنانی که از گوشت تو می‌باشند مخفی نسازی؟ آنگاه نور تو مثل فجر طالع خواهد شد و صحت تو بزودی خواهد رویید و عدالت تو پیش تو خواهد خرامید و جلال خداوند ساقه تو خواهد بود. آنگاه دعا خواهی کرد و خداوند تو را اجابت خواهد فرمود و استغاثه خواهی نمود و او خواهد گفت که اینک حاضر هستم. اگر یوغ و اشاره کردن به انگشت و گفتن ناحق را از میان خود دور کنی، و آرزوی جان خود را به گرسنگان ببخشی و جان ذلیلان را سیر کنی، آنگاه نور تو در تاریکی خواهد درخشید و تاریکی غلیظ تو مثل ظهر خواهد بود. و خداوند تو را همیشه هدایت نموده، جان تو را در مکان‌های خشک سیر خواهد کرد و استخوانهایت را قوی خواهد ساخت و تو مثل باغ سیر آب و مانند چشمه آب که آبش کم نشود خواهی بود.» (اشعیا ۵۸: ۶-۱۱).

ابتکار «۲۴ ساعت برای خداوند» که جمعه و شنبه قبل از چهارمین یکشنبه روزه برگزار خواهد گردید، باید در کلیساهای محلی صورت گیرد. افراد بسیاری، از جمله جوانان، به راز توبه نزدیک می‌شوند که در این تجربه، راه بازگشت دوباره به سوی خداوند را می‌یابند، لحظات پر بار دعای عمیق را تجربه می‌نمایند و مفهوم واقعی زندگی خود را می‌یابند. بیاید بار دیگر راز توبه را با قاطعیت در مرکزیت قرار

دهیم، زیرا به ما این اجازه را می‌دهد تا عظمت رحمت خدا را با دست خود لمس نماییم. این تجربه برای هر توبه‌کار سرچشمه آرامش واقعی درونی خواهد بود.

از گفتن اینکه کشیش‌هایی که اعتراف را می‌شنوند، نشانه واقعی رحمت خدای پدر باشند، هرگز خسته نمی‌شوم. نمی‌توان خود به خود اعتراف‌شونده خوبی شد. ما زمانی اعتراف‌شوندگان خوبی می‌شویم که قبل از هر چیز خود ما (کشیشان) توبه‌کارانی در جستجوی بخشش خدا باشیم. بیایید هرگز فراموش نکنیم که کشیش اعتراف‌شونده بودن بدین معنی است که در مأموریت خود عیسی سهیم شویم تا نشانه‌های قابل لمس تداوم محبت الهی باشیم که می‌بخشد و رستگاری می‌سازد. ما کشیشان عطیه روح القدس را برای بخشش گناهان دریافت نموده‌ایم، پس در قبال آن مسؤول هستیم. هیچ یک از ما کشیشان مالک این راز نیست، بلکه خادم وفادار بخشش خدا. هر اعتراف‌شونده باید ایمانداران را همانند پدر مثل پسر گمشده، بپذیرد: پدری که به استقبال فرزند خود می‌شتابد هرچند که دارایی او را بر باد داده است. اعتراف‌شوندگان باید آن پسری را که پشیمان گشته و به خانه باز می‌گردد در آغوش بفشارند و شادی خود را از بازیافتن او ابراز دارند. بیایید از اینکه به سوی آن پسر دیگر نیز برویم که بیرون مانده است و قادر به شادی نمودن نیست، هرگز احساس خستگی نکنیم، تا به او یاد آوری نماییم که قضاوت او سخت‌گیرانه و غیرعادلانه است که در مقابل رحمت بی‌کران خدای پدر که بی‌نهایت است، بی‌معنی است. باشد که شنوندگان اعتراف سئوالات نامربوط نپرسند، بلکه همانند آن پدر در مثل پسر گمشده، نگذارند که پسر نطق از پیش آماده شده خود را ارائه نماید، این چنین شنوندگان اعتراف می‌آموزند که طلب یاری و رحمت را که از قلب هر فرد توبه‌کار جاری است، بپذیرند. خلاصه مطلب اینکه اعتراف‌شوندگان فرا خوانده شده‌اند تا همیشه، در هر مکان، هر شرایط و هر موقعیت نشانه‌ای از اولویت رحمت باشند.

۱۸ - در طول ایام روزه این سال مقدس، قصد داریم تا مبشّران رحمت بفرستیم. آنها نشانه دلسوزی مادرانه کلیسا، برای قوم خدا خواهند بود، تا آنان را قادر سازند وارد ژرفای ثروت این راز شوند که از پایه‌های اساسی ایمان است. به عده‌ای از کشیشان اختیار بخشش گناهانی را نیز که بخشش آن مختص کرسی رسولی مقدس است، خواهم داد تا اینکه وسعت وظیفه آنان به عنوان شنونده اعتراف بیشتر روشن گردد. آنان قبل از هر چیز نشانه‌های زنده آمادگی خدای پدر برای پذیرفتن کسانی خواهند بود که جویای بخشایش او هستند. آنان مبشّران رحمت خواهند بود، تسهیل‌کنندگان ملاقاتی مملو از انسانیت، سرچشمه آزادی و غنی در برکنار نمودن موانع، تا زندگی جدیدی تعمید از سرگرفته شود. در این رسالت سخنان پولس رسول آنان را هدایت خواهد کرد: « زیرا خدا همه را در بند نافرمانی نهاده، تا بر همگان رحمت کند» (رومیان ۱۱: ۳۲). بنابراین همه، در واقع بدون استثناء، دعوت گردیده‌اند تا طلب رحمت را از آن خود سازند. باشد تا این مبشّران رحمت دعوت خود را با این اعتماد بپذیرند که می‌توانند نگاه خود را معطوف عیسی گردانند، « کاهن اعظمی رحیم و امین در خدمت خدا» (عبرانیان ۲: ۱۷).

از برادران اسقف خود، می‌خواهم تا از این مبشّران دعوت نمایند و آنها را بپذیرند، تا آنان بتوانند در وحله اول، واعظان متقاعد کننده رحمت باشند. کلیساهای محلی، «بشارت به مردم» را چنان برنامه‌ریزی نمایند که این مبشّرین، شادی دریافت بخشش را اعلام نمایند. از اسقفان درخواست می‌شود تا راز اعتراف و آشتی را با مردم خود برگزار نمایند، تا در این زمان فیض و بخشش در سال مقدس، بسیاری از فرزندان کلیسا که دور شده‌اند، راه بازگشت دوباره به خانه پدر را پیدا نمایند. باشد که شبانان، به ویژه در ایام پر برکت روزه، جماعت ایمانداران را تشویق نمایند تا به «تخت فیض بخش خدا نزدیک شویم تا رحمت یافته و در وقت احتیاج از او فیض یابیم» (عبرانیان ۴: ۱۶).

۱۹ - باشد که پیام رحمت به همگان برسد و باشد که دعوت برای تجربه نمودن رحمت هیچ کس را بی تفاوت باقی نگذارد. دعوت من به توبه با تأکید رو به کسانی است که به دلیل روش زندگیشان از فیض خدا فاصله گرفته‌اند. به طور خاص به فکر گروه کثیری از مردان و زنانی هستم که وابسته به سازمان‌های جنایی هستند. برای خوبی شما است که دعوت می‌نمایم تا روش زندگیتان را تغییر دهید. این را به نام پسر خدا از شما درخواست می‌نمایم که هرچند با گناه مبارزه می‌کند، هرگز هیچ گناهکاری را رد نمی‌نماید. در منجلا ب وحشتناک این فکر فرو نروید که زندگی وابسته به ثروت است و اینکه در مقابل ثروت، همه چیز بی ارزش و بی منزلت می‌گردد. این فریبی بیش نیست. ثروت را با خود به جهان آخرت نخواهیم برد. ثروت خوشبختی واقعی را به ما نمی‌بخشد. خشونت‌ی که به خاطر انباشتن ثروت آغشته به خون صورت می‌گیرد نه قدرت می‌بخشد و نه زندگی جاودان. دیر یا زود قضاوت خدا برای همه خواهد بود و هیچ کس قادر به فرار از آن نیست.

این دعوت همچنین شامل کسانی است که عامل فساد هستند یا با آن همدستی می‌نمایند. این زخم فاسد در جامعه، گناهی سنگین است که برای عقوبت رو به آسمان فریاد بر می‌آورد، زیرا که حتی پایه‌های زندگی فردی و اجتماعی را تهدید می‌کند. فساد انسان را از داشتن چشم امید به آینده باز می‌دارد، چرا که طمع بی‌رحم آن تمام برنامه‌های ضعفا را درهم می‌کوبد و فقیرترین فقیران را پایمال می‌کند. این پدیده شری است که در اعمال زندگی روزانه لانه می‌کند و سپس در رسوایی‌های بزرگ علنی گسترش می‌یابد. فساد سخت گشتن گناه‌آلود قلبی است که با توهم ثروت به عنوان نوعی از قدرت را جایگزین خدا می‌سازد. این نتیجه قدرت تاریکی است که از سوءظن و فتنه تغذیه می‌شود. همانطور که گریگور کبیر می‌فرماید: «Corruptio optimi pessima» (فساد بهترین فرد، بدترین است)، بدین معنی که هیچ کس نباید فکر کند از این وسوسه در امان است. برای از بین بردن آن در زندگی شخصی و اجتماعی، به احتیاط، هوشیاری، شفافیت و وفاداری نیاز است، همراه با شجاعت در محکوم نمودن هر عمل خلاف. اگر آشکارا با آن

مبارزه نشود، دیر یا زود همه همدست آن می‌گردند و در نهایت وجود ما را از بین خواهد برد.

این زمان مطلوبی برای تغییر زندگی است! زمان آن است که اجازه دهیم قلب ما لمس گردد. در مقابل اعمال شریر، حتی در مقابل جنایات جدی، اکنون زمان آن فرا رسیده است تا به فریاد افراد بی‌گناه که از اموال، منزلت، احساسات و حتی از زندگی غارت شده‌اند، گوش فرا داد. در راه شرارت ماندن چیزی نیست جز در توهم و غم و اندوه ماندن. زندگی واقعی، چیزی کاملاً متفاوت است. خدا از دراز کردن دست یاری به سوی ما خسته نمی‌شود. خدا همیشه برای گوش دادن آماده است، من نیز حاضرم همانند برادران اسقف و کشیشم. تنها کاری که باید کرد این است که دعوت به دگرگونی قلب را بپذیریم و خود را در این ایام رحمت که کلیسا به ما ارائه می‌دهد، به عدالت الهی تسلیم نماییم.

۲۰- در اینجا مناسب است رابطه بین عدالت و رحمت را یادآور شد. این دو واقعیت‌هایی متضاد نیستند، بلکه دو بعد از یک واقعیت که به تدریج تا زمانی که به اوج پری محبت برسد، در حال تکامل است. عدالت یک مفهوم اساسی برای جامعه مدنی است، که می‌بایست مقررات قانون بر آن حکمفرما باشد، عدالت همچنین به مفهوم آن چیزی است که حق هر فرد می‌باشد. در کتاب مقدس چندین بار به عدل الهی و خدا به عنوان "داور"، اشاره گردیده است. در این متون عدالت به مفهوم رعایت کامل شریعت و رفتار هر اسرائیلی نیکو در تطابق با فرمان‌های خدا، می‌باشد. اما چنین دیدگاهی اغلب به دلیل تحریف کردن مفهوم اولیه عدالت و تیره نمودن ارزش عمیق آن، به افراط در مراعات قانون منجر شده است. برای غلبه بر افراط در قانون‌گرایی باید به یاد داشت که در کتاب مقدس، عدالت، اساساً به مفهوم آن است که خود را با اعتماد کامل به اراده خدا بسپاریم.

عیسی مسیح نیز به نوبه خود، بارها از ارجحیت ایمان بر رعایت کردن قانون صحبت می‌کند. در این مفهوم است که ما باید کلمات او را درک نماییم هنگامی که با متی باجگیر و سایر باجگیران و گناهکاران سر سفره نشستیم و به فریسیان که از او انتقاد نمودند، فرمود: «بروید و معنی این کلام را بفهمید: 'من رحمت

می‌خواهم نه قربانی^۱ زیرا من نیامدم تا پرهیزکاران را دعوت کنم بلکه گناهکاران را.» (متی ۹: ۱۳) در مقابل چشم اندازی از عدالت که تنها به رعایت قانون اکتفا می‌نماید و نحوه قضاوتش بر مردم صرفاً تقسیم آنان به دو گروه عادلان و گناهکاران است، عیسی مصمم است عظمت عطیه رحمت را آشکار نماید که در جستجوی گناهکاران است تا بخشش و نجات را به آنها اهدا نماید. می‌توان درک نمود که چرا به خاطر این چشم انداز رهایی بخش از رحمت به عنوان منبع حیات جدید، عیسی از طرف فریسیان و معلمان شریعت رد می‌شود. اینان برای اینکه به شریعت وفادار بمانند، تنها بار را بر پشت مردم می‌نهادند، ولی با این کار، رحمت خدا را دست کم می‌گرفتند. دعوت به مراعات وفادارانه قانون نباید مانع توجه نمودن به اموری گردد که به شأن و منزلت شخص مربوط می‌شوند.

متوسل شدن عیسی به نوشته هوشع نبی: «رحمت می‌خواهم نه قربانی» (هوشع ۶: ۶)، از این نقطه نظر اهمیت دارد. عیسی می‌گوید از این به بعد، قانون زندگی شاگردان او باید در اولویت قرار دادن رحمت باشد، همانگونه که خود عیسی با همنشینی و غذا خوردن با گناهکاران این را شهادت می‌دهد. رحمت، بار دیگر به عنوان جنبه اساسی مأموریت عیسی آشکار می‌گردد. این یک چالش واقعی برای شنوندگان او است که تنها به احترام رسمی به قانون بسنده می‌کردند. عیسی بر عکس، فراتر از قانون می‌رود، مشارکت و همنشینی او با کسانی که قانون آنان را گناهکار می‌شناسد باعث می‌شود که به عمق رحمت او پی ببریم.

پولس رسول نیز راه مشابهی را طی نموده است. قبل از ملاقات با مسیح در راه دمشق، زندگی خود را وقف این کرده بود که با غیرت جویای عدالت شریعت باشد (فیلیپیان ۳: ۶). ایمان آوردن او به مسیح، چشم انداز او را به طور کل زیرورو کرد، تا حدی که در رساله خود به غلاطیان می‌فرماید: «ما هم به مسیح عیسی ایمان آوردیم تا از ایمان به مسیح و نه از اعمال شریعت عادل شمرده شویم، زیرا که از اعمال شریعت هیچ بشری عادل شمرده نخواهد شد.» (غلاطیان ۲: ۱۶). درک او از عدالت تغییر اساسی یافت. پولس اکنون ایمان را در جایگاه اول قرار می‌دهد نه شریعت را. تبعیت از شریعت نیست که رهایی می‌بخشد، بلکه

ایمان به عیسی مسیح که با مرگ و رستاخیز خود نجات را به ارمغان می آورد، به همراه رحمت که عادل می گرداند. اکنون عدالت خدا، برای کسانی که در بردگی گناه با همه عواقب آن بسر می برند، به نیرویی رهایی بخش تبدیل می گردد. (مزمو ۵۱: ۱۱-۱۶).

۲۱- رحمت مخالف عدالت نیست بلکه، رفتار خدا در قبال گناهکار را بیان می نماید که به او فرصت دیگری می دهد تا به خود بنگرد و تغییر یافته، ایمان آورد. تجربه هوشع نبی ما را یاری می دهد درک کنیم که چگونه رحمت از عدالت والاتر است. برهه زمانی این نبی، مواجه است با یکی از پرمخاطره ترین دوره های تاریخ بنی اسرائیل. کشور در مرز فروپاشی بود؛ قوم به پیمان وفادار نمانده بود، آنان از خدا دور شده و ایمان پدران خود را از دست داده بودند. طبق منطق انسانی، قابل قبول است که خدا در فکر رد کردن قومی بی وفا باشد؛ آنان عهد خود با خدا را نگاه نداشته بودند و در نتیجه سزاوار مجازات یا به عبارت دیگر تبعید بودند. کلمات نبی به این شهادت می دهند: «به زمین مصر نخواهند برگشت، اما آشور، پادشاه ایشان خواهد شد چونکه از توبه نمودن ابا کردند.» (هوشع ۱۱: ۵). با این حال، بعد از این عکس العمل که به عدالت فرا می خواند، نبی لحن خود را کاملاً عوض می کند و چهره واقعی خدا را آشکار می نماید. «ای افرایم چگونه تو را ترک کنم و ای اسرائیل چگونه تو را تسلیم نمایم؟ چگونه تو را مثل آدمه نمایم و تو را مثل صیوئیم سازم؟ دل من در اندرونم منقلب شده و رقت های من با هم مشتعل شده است. حدت خشم خود را جاری نخواهم ساخت و بار دیگر افرایم را هلاک نخواهم نمود زیرا خدا هستم و انسان نی و در میان تو قدوس هستم، پس به غضب نخواهم آمد.» (هوشع ۱۱: ۸-۹). قدیس آگوستین چنانکه گویی این کلمات نبی را تفسیر می کند، می فرماید: «برای خدا آسان تر است که خشم خود را باز دارد تا رحمت خود را.» و دقیقاً همینطور است؛ خشم خدا فقط لحظه ای طول می کشد، اما رحمت او جاودانه است. اگر خدا فقط به عدالت بسنده نماید دیگر خدا نیست، بلکه همانند همه انسانهایی خواهد بود که احترام به قانون را طلب می نمایند. اما عدالت به تنهایی

کافی نیست، تجربه می آموزد که فقط درخواست عدالت کردن به نابودی آن می-انجامد. به همین دلیل خدا با رحمت و بخشش خود، فراتر از عدالت می رود. اما این بدان معنی نیست که ارزش عدالت باید تنزل یابد و یا غیر ضروری جلوه نماید. بلکه برعکس، هر که اشتباه نماید باید تاوان آن را پس بدهد. اما این پایان نیست بلکه آغازی برای دگرگونی قلب، چرا که، شخص لطافت بخشش خدا را تجربه می کند. خدا عدالت را رد نمی کند؛ بلکه آن را در قالب واقعه ای بزرگتر از آن قرار می دهد، جایی که محبت به عنوان اساس عدالت تجربه می گردد. باید به این نوشته پولس رسول که به یهودیان دوره خود می نویسد با دقت توجه نمود تا ما نیز مرتکب همان اشتباه نشویم: «زیرا که چون عدالت خدا را نشناخته، می خواستند عدالت خود را ثابت کنند، مطیع عدالت خدا نگشتند. زیرا که مسیح است انجام شریعت به جهت عدالت برای هر کس که ایمان آورد» (رومیان ۱۰: ۳-۴). این عدالت خدا، همان رحمتی است که به همگان عطا شده به عنوان فیضی که از قدرت مرگ و رستاخیز عیسی مسیح جاری می باشد. بنابراین صلیب مسیح، قضاوت خدا بر همه ما و بر تمام جهان است، زیرا از طریق آن به ما اطمینان محبت و زندگی نوین را می بخشد.

۲۲- سال یوبیل اعطای گذشت (indulgence) را نیز در بر دارد. در این سال مقدس رحمت، این رسم مفهومی حتی با اهمیت تر به خود می گیرد. بخشش گناهان ما توسط خدا، هیچ حد و مرزی ندارد. در مرگ و رستاخیز عیسی مسیح، خدا این محبت و قدرت را در از میان بردن گناه انسانها حتی بیشتر آشکار می نماید. آشتی با خدا بوسیله راز فصیح و وساطت کلیسا امکان پذیر است. بنابراین خدا، همیشه برای بخشیدن حاضر است و از بخشیدن با روشی هایی همواره نو و غیر منتظره، خسته نمی شود. با این حال، همه ما، تجربه گناه را خوب می شناسیم. میدانیم که به کامل بودن خوانده شده ایم (ر. ک به متی ۵: ۴۸)، اما بار سنگین گناه را احساس می نماییم. در حالیکه قدرت بخشش را که ما را متغیر می سازد، احساس می کنیم، همچنین تجربه می نماییم چطور قدرت گناه بر ما تأثیر می گذارد. علیرغم بخشش، تضادهایی که عواقب گناه هستند را نیز با خود به همراه داریم.

در راز توبه و اعتراف، خدا گناهان را می‌بخشد، که واقعاً از میان برداشته می‌شوند؛ با این حال اثر منفی گناه بر افکار و رفتار ما باقی می‌ماند اما رحمت خدا از این نیز قدرتمندتر است. رحمت به صورت "گذشت" از سوی پدر توسط عروس مسیح، یعنی کلیسایش، به گناه کار بخشوده شده می‌رسد و او را از هر گونه آثار و عواقب گناه آزاد می‌گرداند، و او را قادر می‌سازد تا با شفقت رفتار نماید، و به جای اینکه باز در گناه بیافتد، در محبت رشد نماید.

کلیسا در اتحاد مقدسین زندگی می‌نماید. در راز قربانی مقدس، این اتحاد و مشارکت که هدیه خدا است، به اتحادی روحانی تبدیل می‌گردد که ما ایمانداران را به قدیسان و سعادت‌مندان که تعداد آنان بیشمار است، مرتبط می‌سازد. (ر.ک. به مکاشفه ۴:۷) تقدس آنان ما را در ضعفمان یاری می‌رساند، و به این طریق، کلیسای مادر قادر است با دعا و زندگی خود، با تقدس عده‌ای به یاری ضعف دیگران بشتابد. بنابراین بهرمنند شدن از گذشت در سال مقدس بدین معنی است که به رحمت پدر نزدیک شویم، با اطمینان به اینکه بخشش او شامل حال تمام زندگی ایماندار می‌شود. به دست آوردن گذشت، تجربه نمودن تقدس کلیسا است که ثمرات نجات مسیح را به همگان عطا می‌کند، تا اینکه محبت و بخشش خدا بتواند به همه جا گسترش یابد و برسد. این یوبیل را با پشتکار در طلب بخشش گناهانمان از پدر و گسترش "گذشت" پر از رحمت او، سپری نماییم.

۲۳ - رحمت اهمیتی را دارا می‌باشد که فراتر از محدوده‌های کلیسا می‌رود. رحمت ما را با یهودیت و اسلام در ارتباط نگه می‌دارد که هر دو رحمت را یکی از ویژگی‌های برتر خدا می‌دانند. برای اولین بار بنی اسرائیل این وحی را دریافت نمود که در تاریخ به عنوان ثروتی پایان ناپذیر برای تقسیم با تمام بشریت تداوم می‌یابد. همانطور که دیدیم صفحات عهد قدیم مملو از این رحمت هستند، زیرا بیانگر کارهایی است که خداوند در لحظات سخت تاریخ قوم خود برای آنان انجام داد. اسلام، به نوبه خود از میان همه نام‌های خدا بیشتر "رحیم و رحمان" را به کار می‌برد. این بیان اغلب بر لب ایمانداران مسلمان است که در ضعف روزمره خود، احساس می‌نمایند توسط این رحمت همراهی و پشتیبانی می‌شوند. آنان نیز

معتقدند که هیچ کس نمی‌تواند رحمت الهی را محدود نماید زیرا درب‌های آن همیشه گشوده‌اند.

باشد که زندگی نمودن در رحمت در این سال یوبیل بتواند ملاقات با این ادیان و سایر سنت‌های محترم مذهبی را رشد و توسعه بخشد، باشد که دل‌های ما را بیشتر به دیالوگ و گفتگوی پر شور بگشاید تا یکدیگر را بیشتر و بهتر بشناسیم. باشد تا هر نوع تنگ نظری و بی‌احترامی را از بین ببرد و هر گونه خشونت و تبعیض را از میان بردارد.

۲۴- اکنون افکار متوجه مادر رحمت می‌گردد. باشد تا عطوفت نگاه او ما را در این سال مقدس همراهی نماید، تا همه بتوانیم لطافت خدا را کشف نماییم. هیچ کس همانند مریم مقدس نمی‌تواند ژرفای راز خدا که انسان گردید را بشناسد. همه چیز در زندگی او توسط حضور رحمت که جسم گردید، شکل گرفت. مادر مسیح مصلوب گشته و رستاخیز نموده وارد معبد رحمت الهی گردید زیرا از نزدیک در راز محبت او شرکت نمود.

مریم که برگزیده شده بود تا مادر پسر خدا باشد از قبل در محبت پدر آماده گردید تا صندوق پیمان بین خدا و انسان گردد. او رحمت خدا را در هماهنگی کامل با عیسی پسر خود در قلب خویش نگاه می‌داشت. سرود ستایش او در آستانه خانه الیزابت، تقدیم به رحمت خدا گردید که « نسل اندر نسل » گسترش می‌یابد (لوقا ۱: ۵۰). ما نیز در آن کلام نبوتی مریم باکره حضور داریم. این امر موجب آسایش و پشتیبانی ما خواهد بود زمانی که از میان درب مقدس خواهیم گذشت تا ثمره رحمت الهی را تجربه نماییم.

در زیر صلیب، مریم همراه با یوحنا، شاگرد محبت، شاهد کلام بخشش است که از لب‌های عیسی خارج می‌گردند. این ابراز غائی بخشش خطاب به کسانی که او را مصلوب کردند، به ما نشان می‌دهد که رحمت خدا تا کجا می‌رسد. مریم گواهی می‌دهد که رحمت فرزند خدا هیچ محدودیتی نمی‌شناسد و بدون استثناء همه را در بر می‌گیرد. دعای قدیمی و همواره نوین (Salve Regina) "سلام بر تو ملکه"

را تقدیم او گردانیم، تا نگاه مملو از رحمت خویش را هیچ وقت از ما دریغ نکند و ما را شایسته نگرستن بر چهره رحمت یعنی پسر خود عیسی گرداند. دعای ما همچنین نثار همه قدیسان و سعادت‌مندان می‌شود که رحمت را مأموریت اصلی زندگیشان قرار دادند. به طور خاص به حواری بزرگ رحمت، قدیسه فاوستین کوالسکا می‌اندیشم. باشد تا او که فرا خوانده شد تا وارد اعماق رحمت الهی شود، برای ما شفاعت نماید و ما را یاری دهد تا بتوانیم همیشه طبق رحمت خدا و در اعتماد تزلزل ناپذیر به محبتش زندگی کنیم و گام برداریم.

۲۵- پس یک سال مقدس فوق‌العاده، تا اینکه در زندگی روزمره خود رحمتی را که خدای پدر همواره بر همه ما می‌گستراند، تجربه کنیم. در این سال یوبیل، اجازه دهیم تا خدا ما را شگفت زده نماید. او از اینکه همواره درب قلب خویش را برای ما بگشاید و تکرار نماید که ما را دوست می‌دارد و می‌خواهد زندگی خود را با ما در اشتراک بگذارد، خسته نمی‌شود. کلیسا این نیاز ضروری و مبرم را احساس می‌کند که رحمت خدا را اعلام نماید. زندگی کلیسا تنها زمانی معتبر و موثق است که اعلام‌گر متقاعد کننده رحمت باشد. کلیسا می‌داند که وظیفه اولیه او، مخصوصاً در دوره زمانی ما که مملو از امیدواری و نشانه‌های تضاد می‌باشد، این است که راز بزرگ رحمت خدا را با تعمق بر چهره مسیح به همگان معرفی نماید. کلیسا اول از همه دعوت گردیده است تا شاهد قابل باور رحمت باشد و رحمت را به عنوان مرکز مکاشفه عیسی مسیح، اقرار و در زندگی اش اعمال نماید. از قلب تثلیث مقدس، از درون اعماق راز خدا، رودخانه بزرگ رحمت، جوشیده و بدون وقفه جاری می‌باشد. این چشمه، هرچند بسیار باشند آنانی که از آن سیراب می‌گردند، هرگز خشک نخواهند شد. هر زمانی که کسی به آن نیاز داشته باشد، می‌تواند به آن نزدیک گردد، چرا که رحمت خدا بی‌پایان است. همان قدر که اعماق راز آن ناشناخته است، به همان قدر ثروتی که از آن سرچشمه می‌گیرد پایان ناپذیر است.

باشد که در این سال یوبیل، کلیسا منعکس کننده کلام خدا باشد که با قدرت و شفافیت طنین انداز است، بعنوان پیام و نشانه بخشش، حمایت، یاری، و محبت.

باشد که کلیسا هرگز از اهدا نمودن رحمت خسته نگردد و همواره در تسلی دادن و بخشیدن صبور باشد. باشد که کلیسا فریاد هر مرد و زن باشد و با اعتماد و بی‌وقفه تکرار نماید « خداوندا، رحمت و محبت خود را به یاد آور، زیرا که آنها از ازل بوده است.» (مزمور ۲۵: ۶)

صادر شده در رم، کلیسای حضرت پطرس،
۱۱ آوریل، شب یکشنبه دوم عید فصح، یا یکشنبه رحمت الهی،
در سال ۲۰۱۵ میلادی، سومین سال رسالت پاپی من.
فرانسیس

Translated

By

Fr. Hormoz ASLANI

National Director of the Pontifical Mission
Societies (PMS) in Iran

